

جایگاه زنان در پارلمان اروپا: موانع و راهکارها

ریحانه رضایی (دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات اروپای دانشگاه تهران)

۲۹ آذر ۱۳۹۶

شماره مسلسل: ۳۳۰۰۴۴۱

شماره شاپا: ۵۳۸۵-۲۴۲۳

مقدمه:

زمانی که نانسی استور (Nancy Astor) در سال ۱۹۱۹ به عنوان نخستین زن به پارلمان بریتانیا راه یافت این سنت را که سیاست تنها کاری از آن مردان است شکست. قرن هاست که صدای سیاست صدایی مردانه است و هنوز صدای زنان در سیاست آن طور که باید و شاید به گوش نمی‌رسد. علیرغم تلاش‌های ارزشمند زنان و مردانی پیشرو در این رابطه روند افزایش حضور زنان در ساختار قدرت به کندی سپری می‌شود. باین حال در پنج دهه اخیر با اتخاذ سیاست‌های بازیگرانی همچون اتحادیه اروپا در این خصوص، پیشرفت‌های ارزشمندی را نیز شاهد بوده‌ایم.

۱. وضعیت زنان در پارلمان اروپا

حضور مؤثر زنان در عرصه قدرت پا به پای مردان یک پیش شرط مهم برای دستیابی به دموکراسی کامل است. اتحادیه اروپا در معاهده تأسیس خود (پیمان روم ۱۹۵۷) ارزش برابری جنسیتی را به رسمیت شناخته و تقدیس نمود. در گذشته زنان اروپایی در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی همواره در اقلیت بودند و تنها در چند

مخدوش می‌نمایند. از دیگر مسائل قابل توجه در بعد فرهنگی مشارکت زنان این است که به زعم برخی از نمایندگان پارلمان اروپا سیاستمداران زن بیش از همتایان مرد بر اساس ظاهر فیزیکی‌شان مورد قضاوت و ارزش‌گذاری قرار می‌گیرند و این می‌تواند آزاردهنده باشد.

۲-۴. کمبود نسبی منابع برای حمایت از حرکت زنان به سوی سیاست: وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر زنان، در مقایسه با مردان، به این معنی است که زنان توان کمتری برای جذب حمایت‌های مالی در راستای حرکت خود به سوی سیاست دارند. بعلاوه بار اضافی ناشی از کار در منزل مانع از داشتن زمان کافی برای مشارکت در سیاست است. درواقع زنان هم با کمبود منابع مالی مواجه‌اند و هم با کمبود وقت.

۲-۵. نمایش‌های رسانه‌ای و ضعف ارتباط با رسانه‌ها: رسانه‌ها می‌توانند با اتخاذ رویکردهایی مغرضانه زنان را از شرکت در گفتمان‌های سیاسی و عمومی محروم کنند و بالعکس. بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها از نمایندگان پارلمان اروپا و سایر نهادهای سیاسی اروپایی، سیاستمداران و به ویژه سیاستمداران زن در استفاده از رسانه‌های جدید نوآوری چندانی نداشته و در این راستا کارایی ویژه‌ای از خود نشان نداده‌اند و این خود یک ضعف عمده است؛ چراکه از مرحله نخست اقدام برای انجام فعالیت‌های سیاسی تا مرحله پایانی یعنی جذب در ساختار قدرت رسانه‌ها از نقش کلیدی برخوردارند.

۲-۶. فقدان حمایت‌های حزبی از زنان: احزاب با داشتن وظایف مهمی همچون جامعه‌پذیر کردن افراد، انتخاب و معرفی کاندیدها و... در زمینه افزایش حضور زنان در قدرت نقشی محوری دارا هستند. این در حالی است که احزاب غالباً آن‌طور که باید از زنان حمایت نمی‌کنند. حتی اگر زنان نقش مهمی در مبارزات انتخاباتی داشته باشند به ندرت به عنوان تصمیم‌گیرنده در احزاب سیاسی در نظر گرفته می‌شوند و علیرغم نمایش شایستگی‌های کافی به ندرت و دشواری به روسای ارشد احزاب سیاسی تبدیل می‌گردند[۴].

۳. راهکارهای مقابله با موانع حضور زنان در عرصه سیاست و قدرت:

۳-۱. متوازن نمودن سهمیه‌های انتخاباتی: اقدامات مثبت در قالب متوازن نمودن سهمیه‌های انتخاباتی می‌تواند به تغییرات سریع کمک کند هرچند که تضمین‌گر موفقیت نیست. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۹ انتخابات مجلس ملی اسلوانی برای

۲. مهم‌ترین موانع مشارکت زنان در سیاست:

۲-۱. شیوع «مدل مردانه» در زندگی سیاسی: زندگی سیاسی به وسیله ارزش‌ها، هنجارها و شیوه زندگی مردانه سازمان‌دهی شده است. ارزش‌های مردانه در اغلب کشورها بر سیاست تأثیر گذاشته و موجب گردیده نقش زنان به جای سیاست در محدوده منزل شناخته شود. این مسئله موجب کاهش اعتمادبه‌نفس زنان برای شرکت در فعالیت‌های سیاسی و گسترش دیدگاه‌ها علیه زنان خواهان مشارکت در قدرت می‌گردد.

۲-۲. نوع نظام انتخاباتی: نوع نظام انتخاباتی هر کشور در موفقیت کاندیدها تأثیر مهمی دارد. برای مثال در سیستم‌های انتخاباتی باز که امکان تبلیغات بیشتری وجود دارد شانس انتخاب شدن زنان بیشتر است. همچنین سیستم نمایندگی تناسبی می‌تواند در این زمینه تا حدودی راهگشا باشد. نکته دیگر بحث تکرار انتخاب شدن کاندیدهایی است که مجدداً شرکت می‌نمایند. بدین معنی که برآوردها نشان می‌دهد به طور متوسط حدود دوسوم اعضا در هر مناسبت مجدداً انتخاب می‌شوند، به این معنی که فرصت‌های محدودی برای چهره‌های جدید و طبعاً تغییر تعادل جنسیتی وجود دارد. چراکه در تمامی کشورها به طور سنتی مشاغل کلیدی در دست مردان می‌باشد و تغییر این وضعیت زمان زیادی می‌طلبد. نتایج پژوهش‌ها در خصوص انتخابات ملی در سراسر اروپا (۲۰۰۹) نشان داد که اگر زنان ۵۰ درصد کاندیدهای انتخابات را تشکیل دهند مجلسی با ۳۹ درصد نماینده زن تشکیل می‌شود بنابراین اگر زنان بخواهند نیمی از مجلس را تصاحب کنند باید ۶۳ درصد کاندیدها را تشکیل بدهند.

۲-۳. موانع فرهنگی: موانع فرهنگی زنانی را که مایل به شرکت در فعالیت‌های سیاسی هستند محدود و سیاست را به عنوان قلمرویی مردانه معرفی می‌نماید. در اروپای حاضر که در آن تبعیض بر مبنای نژاد، مذهب، جنسیت و... پذیرفته نیست، هدف از بیان چنین سخنانی چیزی نیست به جز تلاش در راستای کاهش عمده مشارکت زنان در سیاست[۳]. درواقع ابعاد فرهنگی در برهه‌هایی که زنان باید در فعالیت‌های سیاسی درگیر شوند با مردانه دانستن چنین رفتارهایی آنان را از انجام اعمال سیاسی منع می‌کنند. نکته حائز اهمیت اینکه در تمامی فرهنگ‌ها مردان فعالیت در حوزه سیاست را عملی مشروع برای خود تلقی می‌کنند درحالی‌که مشخص نیست چرا حتی خود زنان در بسیاری از فرهنگ‌ها حق خود برای ورود به عرصه سیاست را

داشته و می‌تواند باعث جذب سرمایه‌گذاران در راستای حمایت از آنان شود [۷].

۴. جمع‌بندی:

قرن‌هاست که زنان در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و... پا به پای مردان پیشرفت نموده و شایستگی‌های خود را به اثبات رسانیده‌اند. با این وصف اما در حوزه سیاست حضور زنان کم‌رنگ‌تر از دیگر عرصه‌ها بوده و تا رسیدن به تعادل جنسیتی راهی دراز و دشوار در پیش است. حوزه سیاست از حساسیت بالاتری نسبت به سایر حوزه‌ها برخوردار می‌باشد و شاید به همین دلیل ساختارها و قوانین مردانه در آن مستحکم‌تر از دیگر حوزه‌ها به نظر می‌رسد. باید آگاه بود که تبعات منفی حضور اندک زنان در سیاست هرروز افزایش می‌یابد. از مهم‌ترین آثار ناشی از فقدان تعادل جنسیتی در سیاست اینک مسائل، معضلات و دغدغه‌های مربوط به دنیای زنان در روند سیاست‌گذاری و اتخاذ تصمیمات منعکس نشده و این به معنی در حاشیه ماندگی مسائل نیمی از جامعه انسانی خواهد بود. اگرچه تلاش‌های صورت گرفته توسط نهادهایی همچون اتحادیه اروپا در جهت دستیابی به تعادل جنسیتی دلگرم‌کننده است اما به هیچ وجه کافی نیست؛ زیرا کنار زدن موانع دستیابی به تعادل جنسیتی به حرکت‌هایی گسترده‌تر و محکم‌تر نیاز دارد. لازم است تا در ایران و کشورهای مدعی دموکراسی نیز اقداماتی جدی در راستای افزایش حضور زنان در قدرت و حرکت به سوی تعادل جنسیتی در سیاست صورت گیرد.

منابع

- [1], [3], [6], Fuller, Andy (2009), Women in European politics – time for action. Luxembourg: Office for Official Publications of the European Communities. p: 3, 7, 26, 40
- [2] European Union (2017), EU Presidents – who does what?
- At: https://europa.eu/european-union/about-eu/presidents_en.
- [4], [5], [7], OpCit Research (KMRC Ltd) (2013), Women in decision-making: The role of the new media for increased political participation. Brussels: Policy Department C -Citizens' Rights

اولین بار با سهمیه‌بندی جنسیتی برگزار شد و تقریباً تمامی احزاب این سهمیه بندی را رعایت کردند. نتیجه اینکه تقریباً یک سوم از نامزدها زن بودند اما در نهایت تنها ۱۲ زن به پارلمان ۹۰ نفره راه یافتند یعنی چیزی در حدود ۱۳ درصد؛ بنابراین شاید اقدامات جانبی هم لازم باشد؛ مانند اینکه حتماً باید تعداد مشخصی از زنان انتخاب شوند.

۲-۳. تلاش برای کسب تجربه در سطوح منطقه‌ای و محلی: تجربیات مختلف در سطوح منطقه‌ای و محلی اغلب به عنوان مرحله مهمی برای افزایش مشارکت سیاسی در سطوح کلان در نظر گرفته می‌شود. همکاری با سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های کار، گروه‌های اجتماعی و نهادهایی همچون شوراهای محلی و... نیز مسیرهای مقدماتی و مهمی برای رسیدن به عرصه‌های کلان قدرت هستند [۵].

۳-۳. فرهنگ‌سازی و مقابله با باورهای نادرست فرهنگی: زنان باید از طریق مشارکت فعالانه‌تر در عرصه قدرت و نمایش شایستگی‌هایشان با باورهای نادرست حاکم بر جوامع که سیاست را عرصه‌ای مردانه می‌دانند مقابله نموده و الهام‌بخش یکدیگر باشند.

۴-۳. تعامل صحیح با رسانه‌ها: ورود یک زن به حوزه نمایندگی سیاسی می‌تواند برای زنان علاقه‌مند انگیزه‌سازی کند. رسانه‌های جدید به آسانی می‌توانند در راستای ایجاد چنین علایقی گام بردارند و سیاستمداران زن می‌توانند رسانه‌ها را برای پیشبرد اهداف خود مورداستفاده قرار دهند. نمایندگان زن پارلمان اروپا موافق‌اند که رسانه‌های جدید می‌توانند راهی برای افزایش شناساندن گروه‌ها و مسائل حاشیه‌ای، از جمله زنان و حقوق زنان در جامعه و سیاست باشند. رسانه‌های جدید می‌توانند سیاستمداران زن را به عنوان الگو و مدلی در عرصه قدرت به جامعه معرفی نمایند. همچنین از راه رسانه‌ها سیاستمداران زن می‌توانند بارأی دهندگان وسیع‌تری در ارتباط باشند. رسانه‌های جدید همچنین می‌توانند با تکنیک‌های ویژه خود ساختارها و باورهای سنتی که عدم مشارکت در سیاست را به زنان القا می‌کنند خصوصاً در بین نسل‌های جدیدتر تغییر دهند؛ و از این طرق کمک زیادی به افزایش حضور زنان در سیاست بنمایند [۶].

۵-۳. تلاش در راستای ایجاد شبکه حامیان: زنان می‌توانند شبکه‌هایی از حامیان و پیروان برای خود ایجاد کنند. همین شبکه‌ها می‌تواند به منبعی از قدرت واقعی برای زنان تبدیل شود. این شبکه‌ها باعث افزایش حمایت‌های سیاسی از زنان می‌شوند. افزایش حمایت از زنان افزایش اعتبار آنان را در پی

and Constitutional Affairs European Parliament. P: 13, 30, 32

[2] Europa (2017), European Parliament MEPs. At: <http://www.europarl.europa.eu/meps/en/search.html?country=LT>.

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.
متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان
بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.